



۲۷

سوسیالیسم امروز

۹ دسامبر ۲۰۱۷ - ۱۸ آذر ۱۳۹۶

S_zijji@yahoo.se

سرمدیه: سلام زبیدی

www.simroz.org

نگاهی گذرا به وضعیت زنان سرپرست خاتوار در ایران

صفحه ۴

جمهوری اسلامی، جناحهای درونی، پدیده احمدی نژاد و راه حل ما

صفحه ۹

سه قطره خونی که هنوز هم جاریست

صفحه ۵

اسلام و تسلیم نقطه مقابل آزادیند (قرآن را با زبان مادری بخوانیم)

صفحه ۸

اینجا ایران است به وقت ۱۶ آذر "روز دانشجو"

صفحه ۶

تداوم اعمال ستم و نابرابری بر زنان، راه پایان دادن به آن چیست؟

صفحه ۷

آیا "نظاره گران" صحنه های شلاق و اعدام احساس حقارت نمی کنند؟

صفحه ۱۲

قوانین کار و رفاه اجتماعی

از برنامه حزب سوسیالیست انقلابی

مادام که سرمایه بر حیات انسان ها حاکمیت دارد، مادام که فرد برای تامین مایحتاج خویش ناگزیر به فروش نیروی کار خود و انجام کار برای سرمایه و مالکان و مسائل تولید است، مادام که نظام مزدبگیری و خرید و فروش نیروی کار انسانها برقرار است، هیچ قانون کاری، هر قدر مواد و تبصره هایی به نفع کارگران در آن گنجانده شده باشد، قانون کاری به راستی آزاد و کارگری نیست. قانون کار واقعی کارگران، نفی نظام مزدی و ایجاد جامعه ای است که در آن هر کس داوطلبانه به اندازه توان و خلاقیتش در تولید و مسائل زندگی و رفاه همگان شرکت میکند و به اندازه نیازش از محصولات این تلاش جمعی بهره میگیرد.

اما در عین حال، مادام و هر جا که نظام کار مزدی برقرار است، جنبش کمونیستی کارگری برای تحمیل آنچنان شرایطی به قوانین و مناسبات کار در این نظام تلاش میکند که حداکثر آسایش و رفاه ممکن و مناسب ترین شرایط کار را برای کارگران تضمین کند و طبقه کارگر و کل شهروندان را از عواقب مخرب نظام کار مزدی هرچه بیشتر مصون دارد. کمونیسم کارگری در این مبارزه همچنین برای برقراری شرایط و موازین کاری تلاش میکند که ارتقاء خودآگاهی طبقاتی و

صفحه ۲

کارگران جهان متحد شوید!



تشکل و توان مبارزاتی طبقه کارگر را به بهترین شکل ممکن تسهیل نماید.

قوانین کار و رفاه اجتماعی نظیر کلیه حقوق و وظایف شهروندان کشور باید بدون هیچ تبعیضی شامل کارگران خارجی و خارجیان مقیم کشور گردد. حزب سوسیالیست انقلابی ایران مدافع برابری کامل حقوقی همه کارگران در کشور، مستقل از تابعیت، ملیت، مذهب، جنسیت و غیره است.

رئوس مطالبات حزب سوسیالیست انقلابی در زمینه قوانین کار و رفاه اجتماعی عبارتند از :

قانون کار

- ۱- آزادی کامل و بی قید و شرط تشکل کارگران .
- ۲- آزادی کامل و بی قید و شرط اعتصاب. اعتصاب کارگری نیازمند هیچ مجوزی از جانب دولت و مقامات دولتی نیست. پرداخت حقوق کامل در ایام اعتصاب. حق برابر برای اعتصابیون برای توضیح علل اقدام خویش و پاسخگویی به اظهارات دولت و کارفرمایان از رسانه های عمومی. ممنوعیت غیر قانونی کردن کردن موردی اعتصابات به هر بهانه، نظیر "منافع ملی و میهنی"، "شرایط اضطراری"، "شرایط جنگی" و غیره.
- ۳- ممنوعیت استخدام اعتصاب شکن و یا بکارگیری نیروهای نظامی و انتظامی بجای اعتصابیون در کلیه بنگاه ها، اعم از خصوصی و دولتی .
- ۴- حق دست از کار کشیدن برای کارگرانی که در اعتراض به برخورد و عملکرد کارفرما و عوامل او، مسائل ایمنی و یا بروز مشکلات پیش بینی نشده در محیط کار، موقتا کار را متوقف میکنند تا به اعتراض آنها رسیدگی شود .
- ۵- آزادی پیکت در برابر بنگاه ها. آزادی پیوستن به پیکت های کارگری برای همه مستقل از اشتغال و یا عدم اشتغالشان در بنگاه مربوطه .
- ۶- برقراری فوری حداقل ۳۰ ساعت کار در هفته (۵ روز شش ساعته)، ۲۵ ساعت در کارهای سخت و کاهش منظم آن در فواصل ۵ ساله. احتساب زمان صرف غذا، فرصت معینی برای رفت و آمد، زمان استحمام بعد از کار، کلاس های سوادآموزی و آموزش فنی و زمان تشکیل مجمع عمومی جزو ساعات کار.
- ۷- تعطیلی دو روز متوالی در هفته. انتقال روزهای تعطیل در هفته به شنبه و یکشنبه برای هماهنگی با اکثر کشورهای جهان و بویژه کشورهای پیشرفته صنعتی. حداقل ۳۰ روز مرخصی سالانه. مرخصی کوتاه اضطراری بدون کسر حقوق، علاوه بر مرخصی سالانه، برای رسیدگی به مشکلات پیش بینی نشده شخصی و خانوادگی. امکان استفاده کارگران زن، به تشخیص خودشان، از دو روز مرخصی برای دوره عادت ماهانه.
- ۸- ممنوعیت اضافه کاری. دستمزد عادی کارگران باید در حدی باشد که هیچ کارگری از سر نیاز اقتصادی ناگزیر به تن دادن به اضافه کاری نشود.
- ۹- تعطیل رسمی روز اول ماه به عنوان روز جهانی کارگر.
- ۱۰- تعطیل رسمی ۸ مارس بعنوان روز جهانی زن.
- ۱۱- ممنوعیت هرگونه کار - مزدی، نظیر قطعه کاری و کار کنتراتی.
- ۱۲- تعیین حداقل دستمزد توسط نمایندگان کارگران.
- ۱۳- بالارفتن اتوماتیک حداقل دستمزد به تناسب تورم.
- ۱۴- تعیین حداقل افزایش سالانه نرخ دستمزدها از طریق مذاکره جمعی نمایندگان تشکل های کارگری در مقیاس سراسری با نمایندگان سراسری کارفرمایان و دولت.
- ۱۵- مزد برابر برای زنان و مردن در ازاء کار مشابه.
- ۱۶- ممنوعیت پرداخت دستمزد جنسی و غیر نقدی. ممنوعیت تاخیر در پرداخت دستمزد. ممنوعیت هر نوع کسر دستمزد و جریمه به بهانه های مختلف. پرداخت حقوق برای غیبت های موجه، دوران بیماری و نقاهت، ایام اعتصاب و یا هر نوع توقف تولید بدلائل مختلف و یا به بهانه های کارفرما.

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

قانون کار و...

- ۱۷- ممنوعیت مرتبط کردن دریافتی کارگران به شرایط و فاکتورهایی جز نفس انجام کار (نظیر افزایش تولید، بارآوری، انضباط، حد نصاب تولید و غیره) همه دریافتی کارگران باید بطور یکپارچه بصورت مزد پرداخت شود.
- ۱۸- ممنوعیت کار حرفه ای برای کودکان و نوجوانان زیر ۱۶ سال.
- ۱۹- ممنوعیت سپردن کار سنگین به کارگران باردار و یا کارگرانی که بدلائل مشخصات فیزیکی خاص سلامتی شان در مخاطره قرار میگیرند. حق هر کارگر به امتناع از انجام کاری که از نظر جسمی و روحی برای خویش مضر ارزیابی میکند.
- ۲۰- ممنوعیت اخراج، پرداخت کامل آخرین حقوق دریافتی به کارگرانی که بنگاه آنها تعطیل میشود تا مقطع اشتغال به شغل جدید. موظف شدن دولت به پیدا کردن مشاغل مشابه برای کارگرانی که به دلیل تعطیلی بنگاه ها بیکار میشوند. آموزش حرفه ای جدید به هزینه دولت برای کارگرانی که حرفه و یا رشته آنها بدلیل تغییرات تکنولوژیک از دور خارج میشود.
- ۲۱- بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد آماده به کار بالای ۱۶ سال بر مبنای آخرین حقوق دریافتی. پرداخت بیمه بیکاری مکفی و سایر هزینه های ضروری به کلیه کسانی که بععل جسمی یا روانی توان اشتغال به کار ندارند.
- ۲۲- تقلیل سن بازنشستگی برای زنان و مردان به ۵۵ سال یا پس از ۲۵ سال سابقه کار (۱۸ سال در کارهای سخت). پرداخت حقوق بازنشستگی معادل بالاترین حقوق دریافتی در دوره اشتغال. ترمیم بیمه بازنشستگی همراه با افزایش سطح دستمزدها.
- ۲۳- تضمین ایمنی و بهداشت محیط کار و تقلیل مخاطرات کار به حداقل ممکن، بدون هیچ صرفه جویی، با استفاده از پیشرفته ترین تسهیلات و امکانات مورد استفاده در سطح جهان. نظارت و معاینه پزشکی منظم در برابر مخاطرات و بیماری های حرفه ای و ناشی از کار، توسط مراجع پزشکی مستقل از کارفرما، به هزینه کارفرمایان و دولت.
- ۲۴- بیمه کامل کارگران در مقابل صدمات و خسارات ناشی از کار، اعم از اینکه در محیط کار و یا خارج آن رخ دهد و بدون اینکه کارگر نیازی به اثبات قصور کارفرما و یا مدیریت داشته باشد. پرداخت حقوق کامل بازنشستگی به کارگرانی که در نتیجه صدمات ناشی از کار توانایی کار کردن را از دست میدهند.
- ۲۵- تشکیل هیات های حکمیت و حل اختلاف متشکل از افراد منتخب کارگران.
- ۲۶- تنظیم و اعمال مقررات داخلی کارگاه ها و واحدهای اقتصادی و تولیدی توسط نمایندگان منتخب کارگران.
- ۲۷- تشکیل هیات های بازرسی کارگری برای نظارت بر اجرای صحیح قانون کار در سراسر کشور و کلیه واحدها و موسسات، از جمله در خدمات خانگی.
- ۲۸- التزام کارفرما به مشاوره با نمایندگان کارگران در مورد هر تصمیمی که بطور اساسی روش کار، ساعات کار، محیط کار و تعداد کارگران تحت اشتغال را دستخوش تغییر میکند.
- ۲۹- حق نمایندگان کارگران به بازرسی دفاتر بنگاهی که در آن کار میکنند. کارفرما موظف است کلیه اطلاعات مورد نیاز کارگران در این بازرسی را در اختیار آنها قرار دهد.

رفاه و بیمه های اجتماعی

- ۱- پرداخت بیمه بیکاری معادل حداقل دستمزد رسمی به همه افراد فاقد شغل بالای ۱۶ سال.
- ۲- پرداخت بیمه بازنشستگی دولتی، معادل حداقل دستمزد رسمی، به همه افراد بالای ۵۵ سال که فاقد حقوق بازنشستگی هستند.
- ۳- قرار گرفتن کلیه کودکان و نوجوانان زیر ۱۶ سال که فاقد تامین معیشتی و رفاهی از طریق خانواده میباشند تحت تکفل دولت.
- ۴- طب و خدمات بهداشتی و پزشکی رایگان، مناسب، و در دسترس برای همه. معاینه منظم و واکسیناسیون کامل کودکان. تضمین برخورداری همه کودکان از یک رژیم غذایی کافی و مناسب مستقل از سطح درآمد خانواده، منطقه و محل اقامت و غیره. ریشه کن کردن بیماری های اپیدمیک و عفونی ناشی از عدم سلامت محیط زیست، معاینه منظم همه شهروندان در برابر بیماری های قلبی، سرطان های رایج و بیماری هایی که تشخیص به موقع آنها در درمان و تخفیف عوارض آنها حیاتی است. گسترش و بهبود جدی سطح بهداشت عمومی، اطلاعات پزشکی و بهداشتی عامه. گسترش و سازماندهی امکانات پزشکی و درمانی به نحوی که دسترسی فوری به طبیب و دارو و درمان برای کلیه ساکنین کشور آسان باشد.
- ۵- آموزش عمومی اجباری و رایگان تا سن ۱۶ سالگی. آموزش عالی (دانشگاهی، تخصصی) رایگان و در دسترس برای همه متقاضیان. پرداخت کمک هزینه کافی به دانشجویان. ریشه کن کردن بیسوادی و رشد دائمی سطح سواد و اطلاعات علمی و فنی اهالی کشور. آموزش حق همه است و دسترسی افراد به آموزش و دوره های آموزشی باید کاملاً از سطح درآمد خانواده مستقل باشد.
- ۶- تامین و تضمین مسکن مناسب، از نظر فضا، بهداشت و ایمنی و خدمات شهری (برق، آب گرم و سرد، آشپزخانه، حمام و دستشویی داخل ساختمان، وسایل تهویه و گرما، امکان اتصال به شبکه های تلفنی و تلویزیونی و دسترسی به خدمات عمومی محلی) برای همه. هزینه مسکن نباید از ۱۰ درصد درآمد فرد یا خانواده بیشتر باشد و مابقی هزینه، در صورت لزوم باید توسط سوبسید دولتی تامین گردد. بی مسکنی و یا اجبار افراد به زندگی در مسکن پائین تر از استانداردهای مصوب، غیر قانونی است و مراجع دولتی موظف به فراهم کردن فوری مسکن مناسب برای کلیه شهروندان هستند.
- ۷- ایجاد موسسات خدماتی ویژه در سطح محلی و در مجتمع های مسکونی به منظور کاهش بار کار خانگی و تسهیل شرکت بیشتر همه مردم در فعالیت های اجتماعی، نظیر شیرخوارگاه، مهد کودک، غذاخوری ها و سلف سرویس های عمومی، رختشویخانه های مدرن و غیره.

آزادی، برابری، رفاه، امنیت!

قانون کار و...

۸- ایجاد تسهیلات ورزشی و هنری و فرهنگی رایگان (ورزشگاه، سالن ها و کارگاه های نمایش، کتابخانه، و غیره) و اختصاص مربیان و آموزگاران کافی در سطح محلی.

۹- ایجاد تسهیلات لازم برای شرکت فعال معلولین و افراد دارای نقص عضو در کلیه شئون زندگی اجتماعی. ایجاد تسهیلات و تجهیزات ویژه معلولین در اماکن عمومی، معابر، مجموعه های مسکونی و غیره. تامین و پرداخت هزینه وسایل و ابزارهای فنی و کمکی ضروری برای تسهیل زندگی روزمره افراد دارای نقص عضو.

۱۰- ایجاد تسهیلات و موسسات خدماتی برای رفع نیازهای ویژه سالمندان و بهبود کیفیت زندگی آنان. ایجاد امکانات و تسهیلات لازم برای ادامه شرکت فعال و خلاق سالمندان در زندگی اجتماعی.

۱۱- تامین شبکه اتوبوسرانی و متروی درون شهری رایگان.

۱۲- ایجاد کلیه تسهیلات شهری (برق، آب، تلفن، مراکز آموزشی و پزشکی و فرهنگی و غیره) در کلیه مناطق روستایی و از میان بردن تفاوت رفاهی شهر و روستا.

(بر گرفته از "برنامه یک دنیای بهتر"، برنامه حزب

سوسیالیست انقلابی ایران)

باز تکثیر: شمار ۲۷ نشریه سوسیالیسم امروز

۹ دسامبر ۲۰۱۷

نگاهی گذرا به وضعیت زنان سرپرست خانوار در ایران

آثر کیمیا

زنان سر پرست خانوار از جمله گروه های آسیب پذیر جامعه هستند که گاه عواملی چون طلاق، فوت یا اعتیاد همسر، از کار افتادگی همسر، یا دیگری مبالغه های موجب آسیب پذیری این طیف وسیع از جامعه می شود.

زنانی که به دلایل مختلف همسرانشان را از دست می دهند یا از همسرانشان جدا می شوند به یکباره با جهان دیگری روبرو می شوند. دنیایی که بسیاری از مختصات آن نا آشناست، دشواریهایی که این زنان تاب می آورند عمدتاً به دغدغه های معیشتی، عاطفی، و سواسهای فکری حاشیه های نا خواسته از بر خورد نا مناسب اطرافیان و..... در راس همه بی توجهی حاکمان و کمک نکردنشانشان از سوی دولت مربوط می شود.

در هر حال این گروه از زنان که با عنوان زنان مطلق یا بیوه در جامعه شناخته می شوند با مسایل و مشکلات و موانع زیادی در زندگی مواجهند. از ۷۱ درصد زنان مطلقه و بیوه با فرزندان، تنها ۱۶ درصد شان (خود یا فرزندان آنها) شاغل هستند. این در حالی است که زنان غیر شاغل برای تامین نیازمندیهای مادی زندگی محتاج دیگران هستند. منشیای بسیاری از نا بسامانی ها و نا ملامت انساها در جوامع کنونی به وضعیت اقتصادی و فقر مادی مربوط می شود و اکثر زنان مجرد نیز بیکار هستند و از وضعیت اقتصادی

بسیار نا مطلوبی بر خور دارند. برقراری سیستم های حمایتی از این زنان و فرزندان آنها ضرورت دارد.

۹۰ درصد زنان مطلقه دارای فرزند نسبت به اینده فرزندان خود نگرانی زیادی دارند. ۳۳ درصد زنان سر پرست خانوار عنوان کردند که فرزندانشان به خاطر جدایی از پدر به میزان بسیار زیاد احساس حقارت می کنند. این در حالیست که این مساله می تواند این کودکان را به انسا نهایی افسرده جامعه گریز و جامعه ستیز تبدیل کند.

متأسفانه وجود نگاه مرد سالارانه و تبعیض و تنگ نظری علیه زنان موجب شده که ۳۹ درصد از زنان در پیدا کردن مسکن و اجاره آن، اسکان و اقامت در هتل ها و مهما نسراها با مشکل مواجه شوند. این در حالی است که اغلب اینگونه زنان در وهله اول با مشکلات اقتصادی و تهیه مسکن دست به گریبان هستند. ۷۰ درصد زنان مجرد وجود باورهای غلط و قضاوت های تنگ نظرانه افراد جامعه که خود ناشی از وجود حاکمیت یک قشر مردسالار و دینی است، نسبت به طلاق و زنان بیوه را باعث احساس بیگانگی ناامنی و نا را حتی در روابط خود با دیگران دانسته که موجب می شود که حتی از حضور در جمع فامیلی نیز احساس معذب بودن کنند. ۵۵ درصد زنان سر پرست خانوار از طعنه ها و متلک ها و فرهنگ و نگاه های عقب مانده اهالی محل معذب هستند. حدود ۶۶ درصد در معرض انواع سوی نیت ها و ازارهای دیگران واقع شده و صدمه دیده اند.

درخواست عضویت از حزب		
﴿ فرم ویژه درخواست عضویت در حزب سوسیالیست انقلابی ایران ﴾		
نام :		
نام خانوادگی :		
محل سکونت :		
شغل :		
علل پیوستن به حزب :		
سابقه فعالیت سیاسی :		
در چه زمینه ای علاقمند به فعالیت هستید؟		
آیا کسی را در صفوف حزب می شناسید؟		
تلفن :		
ای میل :		
اینجانب با قبول برنامه، اساسنامه، سیاست و اهداف حزب سوسیالیست انقلابی ایران، از حزب درخواست عضویت می نمایم. متعهد میشوم که منطبقاً به حزب حق عضویت پرداخت نموده و در راستای پیشبرد اهداف حزب بطور متشکل به فعالیت خود ادامه بدهم. به حراست از امنیت و موازین و پرنسیپهای حزب متعهد بوده، و اعلام میکنم که در جهت سیاستهای حزب برای سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و دستیابی به یک جامعه سوسیالیستی، آزاد، برابر و مرفه با تمام توان تلاش و مبارزه نمایم.		
امضا.....		
تاریخ.....		
www.simroz.org	آدرس مایل ارسال درخواست عضویت	iransocialist2017@gmail.com

از همان ابتدا فشار بر تشکل های دانشجویی و دانشجویان منتقد اوج گرفت. دانشگاه به یک پایگاه نظامی تبدیل میشود و هر صدایی در گلو خفه میشود. اکثر نهادهای فعال با گرایشهای مختلف در میان دانشجویان غیرقانونی اعلام شدند. سرکوبها شدت گرفت. شوراهای صنفی و کانون های فرهنگی و هنری در بسیاری از دانشگاهها یا به طور کامل تعطیل شدند و یا در ضعیف ترین و آسیب پذیرترین حالت ممکن قرار داشتند. نشریات دانشجویی نیز حال و روز بهتری نداشتند و با کوچکترین انتقادی توقیف می شدند. دانشگاهها به مرور در حصار میله ها قرار گرفتند.



شاید بتوان گفت که از همان ابتدای به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی در ایران، دو گروه مخالفان اصلی آزادی های آکادمیک بوده اند. یکی تجدستیزی که با هر پدیده نو مخالفت می کنند و دانشگاه را به عنوان مرکز ترویج ارزش های مدرن خطری برای خود می بینند، و دیگری حاکمان اقتدارگرا که دانشگاه را تنها برای پرورش متخصصین و تکنوکرات های لازم برای اداره دستگاه حکومت خود می خواهند و با کارکرد آگاهی بخشی و پرسشگری آن سر سازش ندارند.



در این دوران تاکید اکثر گروهها بر مسئولیت دانشجویان و جوانان در قبال جامعه بود. گفتمان غالب مبارزه با فقر، مبارزه با ظلم و برقراری عدالت اجتماعی بود. ایده حمایت از فقرا به رشد اندیشه های چپ در ایران دامن زده بود و عشق به آزادی و ایده های عدالت خواهی را در میان دانشجویان را گسترش می داد. تاثیر جنبش دانشجویی تنها محدود به همان دوره باقی نمی ماند و برخی از چهره های جنبش دانشجویی در سالهای بعدی نیز از مبارزان و رهبران برجسته سیاسی در این جنبش شدند.

بعد از انقلاب همگانی در سال ۱۳۵۷ دانشگاه به محل مهمی در عرصه فعالیت های سیاسی در ایران تبدیل شد. دانشجویان به عنوان قشر جوان و دغدغه مند جامعه به طور جدی به فعالیت های سیاسی روی آوردند. گروههای سیاسی نیز دانشگاه را جای مناسبی برای عضوگیری و کادرسازی می دیدند. به ویژه گروههای چپ و مارکسیست، و همچنین مذهبی ها و یا نیروهایی که رویکرد ضدامپریالیسم را خط مشی اصلی خود می دانستند. جابجایی قدرت موجب شده بود تا امکان سرکوب کم شود و آزادی بیان برای دوره ای گذرا به بالاترین حد ممکن برسد.

اما با در دست گرفتن قدرت از طرف جمهوری اسلامی، جنبش دانشجویی وارد عرصه دیگری از فعالیت خود میشود و شرایط سختی را در دولتهای مختلف در حاکمیت سران جمهوری اسلامی تجربه میکند.

سه قطره خونی که هنوز هم جاریست

عزیز آجینکند

سه قطره خونی که در روز ۱۶ آذر ۱۳۳۲ ریخته شد و سنگفرش های دانشگاه تهران را رنگین کرد، هنوز هم زنده و جاریست و هر سال و در چنین روزی همراه با نسل و بینش و ایده دیگر در قلب ایران بحران زده امروز متولد میشود. شانزدهم آذر سرآغاز حرکتی نوپا در جنبش دانشجویی به حساب می آید. جنبشی که با گذر از موانع و مشکلات سر راه در میان سالهای قبل و بعد از انقلاب سال ۱۳۵۷ مردم ایران علیه رژیم شاه و سر کار آمدن هارترین رژیمهای ضد بشری اوج گرفت و در گرماگرم حوادث روزها و سالهای به قدرت رسیدن خمینی جلاد و جمهوری اسلامی به بلوغ رسید.

جنبش های اجتماعی همواره در گذار به آزادی و طرح مطالبات اجتماعی نقش موثری داشته اند. در این میان جنبش دانشجویی به دلیل حضور دانشجویان کمونیست و جوانان با انگیزه انقلابی نقش پررنگی داشته است. جنبش دانشجویی در ایران در تاریخچه خود فراز و نشیب بسیاری دیده و در هر دوره ویژگی های خاصی داشته است. گفتمان و ایدئولوژی غالب از نسلی به نسل دیگر تغییر کرده و راهبردها، تاکتیک و ابزارهای متفاوتی برای رسیدن به هدف انتخاب شده است. بررسی این تجربیات و یافتن دلایل موفقیت ها و شکست ها در هر دوره ای می تواند زمینه ساز توانمندی جنبش دانشجویی باشد.

سالهای ۲۰ تا ۳۲ را می توان دوران تولد جنبش دانشجویی در ایران دانست.

نگاهی گذرا به وضعیت ... موارد فوق باز گو کننده میزان نا امنی عاطفی و تضييع حقوق فردی و اجتماعی زنان مجرد است، طوری که ۸۷ درصد (امار واقعی به مراتب بیشتر است) این زنان میزان امنیت اجتماعی خود را کم یا هیچ می دانند. نگاه سنتی که دولت حاکمه بر جا معه ما تحمیل و ترویج نموده متاسفانه به فرهنگ غالب در جامعه تبدیل گردیده است. چنان سنگین و سخت که به خانواده ها و والدین هم این اجازه را نمی دهد که پس از با زگشت دخترشان از زندگی متاهلی دو باره به او به چشم دختری مجرد و ازاد بنگرند. برعکس، ارزش و احترام کم تر و محدودیت های بیشتری را در رفت و آمد و اشتغال به کار برای او قائل می شوند.

درد و معضلات زنان در ایران بی پایان است!، هیچ فرشته نجاتی هم نیست!، جز به میدان آمدن خود زنان تحت ستم و سرکوب و تحقیر شده. حکومت اسلامی حاکم بر کشور عامل و مجرم درجه یک چنین موقعیت فرودستی است برای زنان ایران. با توجه به این واقعیتها، در کنار ضرورت ایجاد شبکه های کمک رسانی و حمایت کننده از این بخش از زنان، باید برای پایان دادن به حاکمیت این نظام، بهتر از هر قشر دیگری در جامعه، ما زنان به میدان بیایم.

تماس با
حزب سوسیالیست انقلابی

Iransocial-
ist2017@gmail.com

بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!

اینجا ایران است به وقت ۱۶ آذر "روز دانشجو"

نیما خاکی

۱۶ آذر "روز دانشجو" دوباره از سر رسید و خاطرات دانشجویی را با همه تلخی و خوشیهایش دوباره برگ به برگ ورق زد. دوباره روز قلم های تیز، روز فکرهای خلاق روز اندیشه های نو فرا رسید و دگر بار خیابان اعتراض را در آغوش کشید. بار دیگر چشم ها به خیابان و به دانشگاه و دانشگاهیان دوخته شد و دوربینها روی این روز تمرکز کردند و به نشانه شکار عکسی درب و دیوار این نهاد پر ابوهت جامعه را نشانه رفتند.

بار دگر دستها در دانشگاههای سراسر کشور به نشانه اعتراض بالا رفت و در این میان پلاکارتهای سرخ و رنگین که نشان از عدالت و خواستهای بر حق دانشجویان بود سرو کله ایشان در میان جمع اعتراضیان یکی پس از دیگری پیدا شد. این بار سخن از آزادیست و سخن از فقر و سخن از تحصیل رايگان برای دانشجويان. در نمایشات پی در پی در دانشگاههای مختلف سراسر کشور در چنین روزها و در چنین ایامی که به استقبال روز دانشجو میرفتیم، دوباره سکوت خیابانها و کلاسهای درس و مجامع عمومی شکسته شدند و فریادهای دانشجویان بالا رفت و دانشجو این قشر زنده اجتماع خاموش بار دیگر با خیابان دست دوستی و آشتی داد.

این بار عدالتخواهی و مساوات



چه در این زمینه و چه علیه گرایشات و تحرکات ارتجاعی طیف جمهوری اسلامی در دانشگاهها نیز به یک ضرورت سیاسی در این جنبش تبدیل شده است.

امروز این حرکت میتواند خواستهای خود را در جهت هماهنگ کردن با خواستهای دیگر جنبشهای اجتماعی در ایران به پیش برد. پیوستن به حزب سوسیالیست انقلابی و تقویت آن میتواند گام مهمی در عبور از ناکامیها و تجربه های منفی گذشته و دریچه ای برای عروج رادیکال، سوسیالیستی و آزادیخواهانه جنبش دانشجویی هم باشد، از این جهت دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب و گرایش رادیکال و سوسیالیست صفوف دانشجویی را به پیوستن به حزب سوسیالیست انقلابی ایران دعوت میکنیم!

در چنین شرایط و در چنین موقعیتهایی می توان شاخه گل یاد بود را نثار عزیزان از دست رفته جنبش آزادیخواهی و برابری طلبانه دانشجویی کرد.



سه قطره خونی ...

با پیروزی انقلاب مردم ایران در سال ۵۷ این دو گروه با یکدیگر پیوند خوردند و جبهه متحدی را در جهت سرکوب دانشگاه و دانشگاهیان تشکیل دادند و به همین بهانه هم به جنبشهای دیگر نظیر جنبش کارگری و جنبش زنان هم رحم نکرده و آنها را نیز مورد سرکوب بیشتر قرار دادند.

جنبش دانشجویی در طی دوران حاکمیت جمهوری اسلامی تا به امروز ۱۶ آذر سال ۱۳۹۶ نیز روزهای سختی را پشت سر گذاشته است و قربانی ها داده است. روزگاری که دولت مردان ایران کوچکترین نقد های دانشجویی را نیز بر نمی تافته و به سرعت در صدد مقابله با آن بودند، هنوز نیز تکرار میشود و یاد سه قطره خون هر روز و هر ساعات در دلها زنده میشود.

تا به این تاریخ و بعد از سالها از رویداد تلخ ریخته شدن سه قطره خون و بعد از سر کار آمدن رژیم جنایتکاری چون جمهوری اسلامی بارها جنبش دانشجویی خود را محک زده است و بارها هم در موقعیتی قرار گرفته است که ایران و حاکمان آنرا به لرزه در آورده است. در میان این سالها و در شرایط های مختلف در جامعه ایران نسلی برخاسته است که نیروی اصلی اش با شعارهای دوران گذشته خود خوانایی ندارد. این نسل از دانشجویان شعارهای دیگری را در دستور کار خود قرار داده است و با شعار مرگ بر دیکتاتوریت می خواهد قدم جدی تری را در راه بر آورده کردن خواسته های خود بر دارد.

زنده باد سوسیالیسم!

تداوم اعمال ستم و نابرابری بر زنان، راه پایان دادن به آن چیست؟

اسرین مالکی

بطریق اولی اوضاع به شدت وخیم تر است از کشورهای بورژوازی- غربی، که به همت مبارزه خود زنان و جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر کمتر میتوانند ابزارهای ارتجاعی، خرافی، مذهبی و مرد سالارانه را در شکل عریان و قانونی علیه زنان تحمیل و بکار بگیرند. اما با وجود این پیشرفت در قالب "مدرن" استفاده ابزاری و سودجویی بورژوائی از زن در کشورهای مترقی سرمایه داری نیز همچنان جاری است. اینها همراه با ترویج اخلاقیات جنسی که نقش زنان را به عنوان مادران و انسانهای برابر با مرد در محل کار و اجتماع کاهش داده است، به نوعی همان موقعیت نابرابر را برای زن فراهم نموده اند.

بدن و جنسیت زنان در تمام سطوح "صنعت فرهنگی"، چه در فرم های کم و بیش پذیرفته شده اجتماعی همچون تبلیغات و چه در فرم های عیان تر، مانند پورنوگرافی و فحشا، بعنوان کالا جهت سود، مورد استفاده قرار می گیرد. همه اینها تداوم سرکوب زنان در تمام سطوح زندگی اجتماعی است.

برای پایان دادن به تداوم این ستم و نابرابریها راهی جز نپذیرفتن فرهنگ، قوانین، و سنن ضد زن چه در قالب دینی و مرد سالارانه و ملی دوره جهالت و چه در شکل مدرن بورژوائی در جوامع غربی وجود ندارد. باید در مقابلش ایستاد. به میدان آمدن زنان و جنبش مترقی مدافع برابری زن و مرد، برای دستیابی به هدف خود ملزم به بدست گرفتن پرچم آزادی واقعی زن، یعنی پرچم آزادی و برابری و سوسیالیسم است.

تحقق این امر مهم در ایران در گرو تلاش متحد و بی قفه صف آزادیخواهان، از جمله زنان و کارگران مبارز، برای سرنگونی کامل نظام سرمایه داری و اسلامی حاکم ضد زن و دستیابی به یک جامعه سوسیالیستی است.

استثمار، کار در محیط خانه، تبعیض و خشونت جنسی، اینها واقعیت روزانه میلیون ها نفر از زنان در سراسر جهان است. ستم بر زنان ریشه در تقسیم جامعه به طبقات استثمارگر و استثمار شونده دارد. این نشانگر نمونه خاصی از مناسبت ظالمانه ایست که طبقه کارگر را در کل تضعیف می کند. زنان بیش از نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می دهند، اما اکثریت کار جامعه توسط آنها انجام میگیرد.

امروزه، مثل همیشه بار تولید مثل (پرورش کودکان، کار در محیط خانه) در درجه اول بر دوش آنهاست. حتی وقتی که در ازای کار، دستمزد پرداخت می شود، پرداخت به زنان بطور متوسط، به میزان قابل توجهی کمتر از مردان است. زنان همیشه جزو اولین کسانی هستند که در نوک تیز حملات سرمایه داری و ارگان ایدئولوژیکی آن، مذهب و مرد سالاری و فرهنگ ملی، قرار دارند.

بورژوازی ممکن است در باره برابری قوانین "آزادی های جنسی" بسیار صحبت کند، اما در واقع، زنان مثل همیشه، امروزه هم از حقوق اولیه محروم اند. آن ها با استناد به قوانین، از حق تصمیم گیری در مورد سقط جنین، محروم اند، حتی حق تصمیم در مورد بدنشان هم، از آنها سلب شده است. در جوامع حاکم اسلامی

اینجا ایران است...

طلبی نوشته حک شده روی تخته سیاه نبود، بلکه در قلب خیابان شکفته شد، این بار یار دبستانی سرود آزادی سر میدهد و یاور زندانیان سیاسیست. این بار دانشجو قلبش به کرمانشاه سفر کرده است و از فقر و بدبختی مردمان این دیار میگوید و قدرت طلبان نامسنول را نشانه رفته است و برای کودکان سرمازده زیر چادرهای نازک قربانیان زلزله اخیر، اشک میرزد و قلبشان می تپد.

آره اینجا سخن از دانشجو و روز دانشجو و اعتراضات و شعارهای اخیر دانشجویان عدالت خواه است.. دانشجویانی که برای ریخته شدن قطره های خون در تاریخ جنبش دانشجویی به خیابان آمده اند و فریاد سر میدهند. اینجا دانشگاه های تهران، قزوین، ارومیه، تبریز، اهواز، شیراز و کردستان است.. اینجا قلب تپنده نسل آزادیخواه امروز است که می خواهد روشنی بخشد به نسل فردای این مرز و بوم.

گرایش فعال چپ میان جنبش دانشجویی، صداییست زنده با ابهت و شناسنامه و تاریخی پر افتخار.. سالهاست متمایز است و فقر و استثمار را می شناسد آنرا لمس کرده و باهش سالها در جنگ بوده است، پس باکی از ریختن قطره های خون ندارد. در اعتراضات چند روز اخیر دانشجویان در گوشه و کنار ایران، نه خبری از رنگهای سبز و بنفش و غیره بود نه گرایشهای فرسوده اسلامی و نه صحبت از بسیجیهای کشته و مرده نظام آدمکش ولایت فقیه. بلکه همه خیرها از صداهایی خبر میدادند که سالیانیست خاموشند.. همان صدای عدالت خواهی!..

این روزها نه خبری از سپاه پاسداران و نه خبری از سرکوبگران دیگر حکومتی بود و نه خبری از شیادی چون روحانی. فضای امنیتی محکوم است، آموزش رایگان حق مسلم است، همه باهم بادرد زحمتکشان، زندانی سیاسی آزاد باید گردد و پاره ای چند از شعارهای دیگر گزارش مثبت دانشجویی در ۱۶ آذر سال ۱۳۹۶ هجری شمسی در ایران است. گزارشی که می تواند عواقب منفی برای کارگزاران ریزو درشت جمهوری جنایتکار اسلامی را به همراه داشته باشد.

بله اینجا ایران است به وقت ۱۶ آذر روز دانشجو!..

روزی که هیچ شباهتی با گذشته خود ندارد و نگرش و نوع بینش آن جدید و با دنیای دیروز خود وداع گفته است و جوان است و با فکر جدید و امروزی و مدرن در حال درخشش است و خواهد آفاق فردای خود را به کرسی نشاند. باشد این جنبش را وصل کرد به جنبشهای دیگر و مترقی خواه در جامعه ایران تا بتوان آرزوهای نوشکفته جوانی را شکفت و برای دنیای عاری از ستم قدم گذاشت.

آینده از آن جوان مترقی خواهد بود. دنیا این را به اثبات رسانده است. پس صدایش باشیم....

اینجا ایران است به وقت ۱۶ آذر

نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی!

اسلام و تسلیم نقطه مقابل آزادیند (قرآن ربا زبان مادری بخوانیم)

سهراب کرماشانی

(سوره بقره)
آیات ۴۶ و ۴۷: " آنکسانی که میدانند که در پیشگاه حضرت پروردگار حاضر خواهند شد و به او (بدرگاه عزت) رجوع خواهند کرد - ای بنی اسرائیل از نعمتهایی که بشما عطا کردم و اینکه تفضیل دادم (بنعمت کتاب و رسول) شما را بر تمام اهل عالم..."

آیه ۴۶ در حقیقت مکمل آیه ۴۵ است که در شماره پیشین هفته نامه توضیح داده شد و در آنجا نیروی برتر بندگان خود را به صبر و پیا داشتن نماز دعوت میکند و دشوار بودن صبوری و عبادت برای غیر خدا پرستان گوشزد میکند. حال آنکه در آیه ۴۶ تأکید و تاکید مضاعف نیروی مافوق برای به زیر کشیدن و بردگی انسانها توسط حکومت دینی بواسطه نیروی برتر فرضی و بزرگنمایی عزت این نیرو را دارد و در ادامه آیه ۴۷ به نحوی میخواهد دامنه نفوذ و قدرت دین اسلام را با تضعیف کردن دین یهود به تملیکات و حکومت خود بیفزاید. احساس برتری و خودخواهی سران حکومت اسلامی در صدر اسلام و کشتارهای عظیم آنان در جهان مخصوصاً در امپراتوری ایران شایع و در تاریخ ثبت شده است.

(آیه ۴۸): "... و بترسید از روزی که هیچ جزا داده نشود شخصی بجای شخص دیگری هیچ پذیرفته نشود شفاعت کسی (در باره دیگری)

و فدایی عوض شخص نخواهند گرفت و هیچ پاری کننده و فریاد دینی در آن روز نخواهد بود..." پیشی گرفتن و سبقت نابجای توهم و اعتقادات دروغین از جمله ترفندهای دینیست که باعث جدایی افراد از یکدیگر برای رسیدن به بهشت فرضی و دور شدن از جهنم ساختگیست البته هر چند پیام ارباب عمومی است ولی در اینجا منظور بیشتر معطوف به قوم بنی اسرائیل و دین یهود میشود.

(آیه ۴۹): "... و بیاد آرید هنگامی که نجات دادم شما را ازستم فرعونیان که از آنها در شکنجه سخت بودید تا به آن حد که پسرهای شما را میکشند و زنانتان را برای کنیزی میگذاشتند و در این سختی بلا و امتحانی بزرگ بود که خدا شما را بدان میآزمود..." فرعون خیلی از خدای ساختگی شما بهتر است چونکه حداقل او برای یک خطای کوچک سالها انسانها را درون جهنم نمی انداخت، گاف دادن نویسنده به وضوح و بسادگی قابل شرح و نقد است نجات دهنده نیروی برتر است و مصیبتهایی که انسانها به افراد دیگر تحمیل میکردند آزمایش و امتحان الهی بوده. این گفتار یاد آور کسیست که زمین را حفر میکند و یکنفر دیگر آنرا پر میکند، وقتی از آنها سوال میشود که چرا بیهوده کار میکنید؟ در جواب میگوید ما سه نفر هستیم آن کسی که باید درختها را بکارد امروز نیامده و ما کار خودمان را انجام میدهم!! پس نیروی برتر شما تولید میکند که ناپدید کند آنها بصورت آزمایشی!!!

(آیات ۵۰ و ۵۱): "... بیاد آرید وقتی که دریا را شکافتیم و فرعونیان را غرق کردیم و شما مشاهده کردید - و بیاد آرید وقتی که بموسی برای نزول تورات چهل شب وعده دادیم پس در غیبت او شما گوساله پرستی اختیار کردید و ستمکار و بیادگر شدید..."

یکی از ترفندهای کتاب قرآن به گذشته دور بردن آمه است و اگر این کتاب جعلی نبود حداقل میتوانست پیش بینی آینده را بکنند ما بتوانیم آنرا ببینیم کلی گویی و سطحی نگری به حدی نمایان و واضح است که اگر اندکی تفکر و تعقل در آن شود پی به ریا کاری و دغل بازی آن خواهیم برد. دین اسلام به دلیل همجواری بودن بادیین یهود به شیوایی ممکن میخواستند قدرت او را تضعیف و در نتیجه پیروان آنرا زیر پرچم اسلام ببرد و دامنه نفوذ خود را در جهان بگسترانند.

(آیات ۵۲ و ۵۳): "... پس بخشیدیم شما را و گذشتیم از گناه شما بعد از چنین کار زشت که شاید سپاس (و شکر نعمت) خدا بجا آرید - و بیاد آرید وقتی که برای هدایت یافتن شما به موسی کتاب و فرمان عطا کردیم باشد که به راه حق هدایت یابید..."

من نمیدانم چرا یهودها اینهمه باید تحقیر و شخصیت آنها زیر سوال برده شود. آنها اگر عاقلتر و داناتر از پرورش شدگان دست مذهب اسلام نباشند مطمئناً کمتر خواهند بود. در ثانی اگر شما صحبت از بخشش و عفو آنها میکنید دیگر چه نیازی برای به زیر سلطه بردن آنها دارید. پس بخشش شما از روی عشق نبوده و این موضوع زیربنایی نابکارانه دارد. اگر به قول خودتان دین اسلام خودی و غیر خودی دارد

پس دین یهود هم از این مسئله مستثنا نیست، شما سعی کنید منافقین دین خود را هدایت کنید.

اگر خدا نگران است یاسداری برای چیست؟ اگر خدا رازق است تلاش انسان چه مفهومی دارد؟ اگر خدا شافی است دو او درمان برای چیست؟ اگر خدا دادگر است قضای و قضات دیگر چیست؟ اگر سر نوشت را تعیین کرده تغییر و تکامل برای چیست؟ اگر خدا محاسب است آمار و اقتصاد دیگر چیست؟

به امید آنروزی که با تلاشهای مضاعف و بیدار شدن از خواب غفلت بتوانیم امور جامعه و سر نوشت واقعی خودمان را بدست خودمان رقم بزنیم. ادامه دارد...
زنده باد کارگر، ناپوید باد حاکمیت دینی، زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی ایران



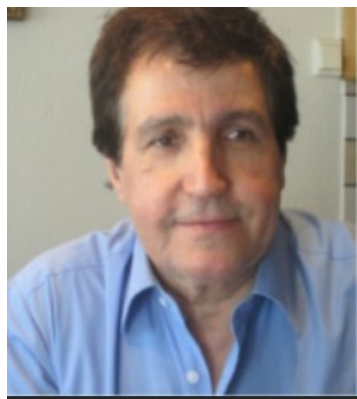
درآمد چاه جمکران
۶/۵ میلیارد در ساله

به ملایی گفتن بهتر نیست این پول خرج افراد فقیر بشه
گفت شما غصه اونارو نخورید این پولهارو همونا دادن پولدارها و عاقلان که اینجا پول نمیندازن

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!

جمهوری اسلامی، جناحهای درونی، پدیده احمدی نژاد و راه حل ما

ابراهیم باتمانی



است که محصول جامعه نبوده، بلکه در سال ۵۷ به زور به مردم ایران که خواهان آزادی و برابری بودند، تحمیل کرده اند.

چند سال شهردار تهران و مدتی وزیر اطلاعات و امنیت کشور بوده است.

آخرین بار هم ۸ سال رئیس جمهور ایران و نور چشمانی خود خامنه ای بوده است، و اکنون هم عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام حکومتی است که همه شان مجرم و جنایتکارند، تک تک شان بدون هیچ تفاوتی بانی ویران شدن زندگی و امنیت و رفاه و خوشبختی دهها میلیونها انسان شرافتمند آن مملکت هستند. این احمدی نژاد گزافه گو نیز همیشه موقعیت و قدرت کامل داشته اما نه در جهت ادعای دروغین "کمک به مردم" که در جهت بقای نظام جنایتکارش بکار برده است. در باره کلیه قوا و نقاط کلیدی چه سیاسی و چه اقتصادی تصمیم گرفته و حرف اول را نیز زده است. احمدی نژاد خوب میداند سران و وزیران و سر کرده های سپاه پاسداران و سران بسیجی و حراست و اسید پاشان و سربازان گمنام امام زمان و مسئولین زندانهای ایران و



ریشه گاز گرفتن از همدیگر و بحران و تناقضات جناحهای رژیم و سرانشان از همینجا سر چشمه گرفته است. ادعای مبنی بر دفاع سران رژیم یا جناحهایی آن از منفعت مردم، از آزادیها، از رفا و امنیت و مبارزه با فساد و دزدی، یک حقه بازی بزرگی است که جمهوری اسلامی و سرانش بدینوسیله در صدد فریب جامعه و کشاندن بخشی از مردم به طرفداری از بخشی از بدنه فاسد و جنایتکار خود تحت عنوان چنین کشمکشهای بوده است.

خواستیم به خوانندگان عزیز این را نشان بدهم که اختلاف و بحران در بالاترین مقامات این نظام ارتجاعی از دوران بنی صدرتا همین روحانی همیشه وجود داشته است. و متأسفانه بجای سرنگون شدنشان این اختلافات واقعی را رژیم به سکویی برای پرش خود، فریب دادن بخشی از جامعه و عبور از بحرانهایش تبدیل کرده است.

اجازه بدهید اشاره کوتاه کنم به اینکه احمدی نژاد چه کسی است. این جنایتکار از روز اول سر کار آمدن این رژیم یک مهره اصلی بوده و در ارگانهای مهم و حساس سرکوب کار کرده است. مدتی در شهرهای مختلف کردستان بازجو و شکنجه گر و اطلاعاتی بوده.

بعد از مدت کوتاهی با آخوندها سر قدرت اختلاف پیدا کردند و فرار کرد به فرانسه. بعد موسوی شد نخست وزیر سپس او هم اختلاف پیدا کرد. بعد خامنه ای شد رئیس جمهور، در آن فاصله خمینی جلاد مرد، این خامنه ای جنایتکار دزد و آدم کش و دروغگو شدن جانشین خمینی گوربگور. بعد رفسنجانی شد رئیس جمهور ۸ ساله و او هم اختلاف داشت با خامنه ای و رهبر تازه شده بعداز خمینی. بعداز ده خونین شصت، خاتمی شد رئیس جمهور و او نیز ۸ سال جنایت کرد و لبخند زد و خود را نماینده اصلاح طلب دانست و کلا سر مردم گذاشت، او هم اختلاف پیدا کرد. احمدی نژاد، این نور چشمی خامنه ای آمد سر کار و او نیز ۸ سال در راس مقام "اجرایی" کشور قرار گرفت. و حالا گویا ادای مخالفت را دارند، و پز "مردم داری" میزنند و برای خود هیاهوی راه انداخته است. بلاخر الان آقای روحانی، این آخوند شاید، به اسم اعتدال دارد دوره دوم ریاست جمهوری نظام فاسدش را سپری میکند.

نکته قابل توجه در همه این دورهای که "رئیس جمهور"ها طی کرده اند، بجز خود خامنه ای، هر کدام با بخشی دیگری از نظامشان کشمکش پیدا کرده و در نهایت یا فراری و خانه نشینشان کرده اند، یا مرگ "مشکوک" برایشان اتفاق افتاده، یا مجبور به سکوت و ممنوع التصویر شده اند. این واقعیتها گویای وجود یک سیستم به شدت مافیای مذهبی

لازم دانستم در مورد شعبده بازیها اخیر احمدی نژاد و کشمکش سران حکومت جمهوری اسلامی توضیحی بدهم. که اختلافات از چه زمانی بوده؟ سر چه هست؟ و پاسخ و راه حل ما به این نوع رویدادها چگونه باید باشد.

در سال ۱۳۵۷ قیام بر حق مردم آزادیخواه رژیم مستبد شاهنشاهی را سرنگون کرد. و با وجود نفش پر رنگ و دخالت جدی طبقه کارگر و زنان و جوانان چپ و سوسیالیست در ان قیام تاریخی، به دلیل عدم وجود آلترناتیو انقلابی و یک حزب کمونیستی و آماده مقابله جدی با جریان ضد انقلابی خمینی و دارودسته اش متأسفانه مسیر آن همه تلاش و خونریزی به نفع جریانات ضد انسانی تر از شاه، همین دارو دسته حکومت اسلامی، تمام گردید. از این رو اسلامها و بنی صدرها و بازرگانها وجریانات غیر کارگری و غیر کمونیستی با همکاری غرب و متحدینش از کانال خمینی جلاد دروغگو قدرت را گرفتند.

بدین ترتیب این رژیم جمهوری اسلامی نکبت را به جامعه سی میلیونی آن زمان دیکته کردند و جامعه ایران را به این روزگار انداختند. جمهوری اسلامی از راه اعدام و کشتن و شکنجه و وحشیگریهای بیشمار به قدرت رسید. اولین رئیس جمهورش بنی صدر شد.

نه قومی نه مذهبی، آزادی برابری

جمهوری اسلامی، جناحهای درونی... →

شکنجه گران و شهر داران و استانداران و رئیس خانه کارگر و مجلسیها، و گله های آخوند قم و سراسر ایران و نیروهای تروریست برون مرزی به فرماندهی قاسم سلیمانی و سفارتخانها رژیم در دنیا و مسئولین شرکت نفت و ذخایر ایران و مسئول گمرکاتها و شرکتهای زیر نظر سپاه پاسداران و زمین خوارها وقضات وقاضی های اسلامی شکنجه گر و امام جمعه ها ووووووهمه دزد و فاسد هستند. و البته خودش بهتر از هر کسی میداند که شخص "احمد نژاد" نیز همواره شریک ۳۹ ساله این دزدها بوده و هست.

مردم آزادیخواه به خوبی آگاه هستند به این واقعیتها که احمدی نژاد امروز از سر منفعت خودش و جناحش دارد میگوید قوه قضایه و برادران لاریجانی دیکتاتور و دزد هستند، اما همین مردم آزادیخواه میگویند مردیکه عوضی شما با این تاریخ و نقش و مقامهای که در این ۳۹ سال که داشته اید مگر بخشی از شرکای همین نظام دزدها و دیکتاتورها و آدمکشان نبوده اید؟! →

هرانسان آزادیخواه و شرافتمندی موظف است به این آدمکش جمهوری اسلامی بگوید: آقای احمدی نژاد حيله گری و فریب دورانش تمام شده است. بیشتر مردم ایران خوب حکومت جمهوری اسلامی را میشناسند و ماهیت ضد بشری آنرا از سال ۵۷ و از زمان رئیس جمهوری بنی صدر نوکر خمینی تا خود شما جلال احمدی نژاد و نوکر خامنه ای و این آقای

"روحانی دروغگو را با گوشت و پوست و خون خود تجربه و لمس کرده اند. سران حکومت تان را یکی به یکی خوب میشناسند. پرونده عملکرد ۳۸-۳۹ ساله تان برای هر کسی که ذره ای آگاهی و درایت داشته باشد روشن است. از دزدیها و دروغپردازیها و ادمکشیهای شماها خوب با خبرند. هر چه به خانواده لاریجانی بگویید تف سر بلا برای خودتان نیز است چرا که تو از آنها جانی تر و مجرمتر و دزدتر هستی! چرا که همه شما سر بر یک آخور دارید! چرا نمیگوید خامنه ای و خانواده اش دزد هستند و باید گزارش ثروت خودش را به مردم بدهند؟ چرا نمیگوید سران سپاه پاسداران پولشان رو کنند؟ تو خوب میدانی سران و کار بدستان حکومت عدل اسلامی چه کردند و چه نکردند و چقدر سرمایه گذاری کردند در بانکهای خارجی. تو خوب میدانی چقدر پول آن مردم ستم دیده ایران خرج حزب الله لبنان و حکومت فاشیست سوریه، حشت وحشی شعبی عراق و حوثی های یمن و تروریسم در منطقه میشود، اگر سر سوزنی شرافت داری و خودت را بهتر از دیگران در حاکمیت میدانی چرا اینها نمگوید؟، اینکارو نخواهید کرد چونکه خودت هم شریک بودی و هستی.

اختلافات سران حکومت سر چه هست؟ جواب کوتاه: سر قدرت و سهم بیشتر بردن از پول و نفت و ثروت باد آورده کشور ایران و تلاش شبانه روزی دهها میلیون کارگر و زحمتکش، و بر سر چگونگی تداوم بقای حکومت جمهوری اسلامی و نجات دادنش از سرنگونی و از دست جامعه متنفذ از جمهوری اسلامی است.

اما این جنایتکاران هزار برابر اختلافاتشان بیشتر باشد و اگر گوشت هم را نیز بخورند هرگز استخوان همدیگر را خورد نمیکنند. اینها همه یکی هستند و در این جنایتها و دزدیهای کلان و چپاول و غارات اموال ان مردم به خصوص کارگران و تهیدستان شریک هستند. اختلاف این اوباشان حکومت سر منافع کارگران و زحمتکشان نیست! اختلافشان سر سرکوب کردن زنان و بی حرمتی و یا تبعیض جنسیتی و بی حقوقی مطلق واسید پاشیدن و یا به زور مقنعه سر زنان کردن نیست! اختلاف درون حکومتی سر منافع و یا دستمزد بهتر برای کارگران و یا داشتن حق تشکل و اعتراض و تظاهرات و یک زندگی مرفه و انسانی و یا کار پیدا کردن برای بیکاران و یا سر بیمه بیکاری و سر اخراجهایی غیر قانونی و سر به تعویق افتادن حقوقشان و سر تحقیر کرامت و حرمتشان و یا شلاق زدن کارگران و زندانی کردن رهبران کارگران مانند رفقا رضا شهابی و محمد صالحی و جعفر عظیمی زاده و ابراهیم مدی و محمود صالحی ها و رفقای کانون معلمان و یا نهادهای اجتماعی و دفاع از کودک و پوشش لباس آزاد و یا سر مخالفت با اعدام انسانها و شکنجه دادن ادامهای اسیر و بی پناه و یا بی مورد مردم را بازداشت کردنها نیست! کسی ندیده و نخواهد دید اینها سر منفعت واقعی جامعه اختلاف داشته باشند، ندیده ایم سر اینکه چرا مخالفین را ترور میکنند چه در داخل و چه در خارج، چرا به کمک زلزله زدگان نرفته اند، چرا این همه اعدام کردند، چرا گورستان بی نام و نشان را مخفی نگاه داشتند، چرا هر صدای آزادیخواهی را خفه میکنند، و غیره نیست و نخواهد بود، چرا که این جنایات

به عنوان حزب سوسیالیست انقلابی ایران لازم و ضروری میدانیم به کل طبقه کارگر ایران و رهبران طبقه کارگر و زنان اسلام زاده ایران، به جوانان و آزادیخواهان و برابری طلبان، به زحمتکشان و محرومان، به معلمان عزیز و انسانهای شرافتمند که دلشان برای آزادی و خوشبختی انسانها میزند، اعلام کنیم که نباید فریب این نوع شعبده بازیهای سران ریز و درشت رژیم بخوریم. نباید به سپاه لشکر هیچ جناح و مقامی در جمهوری فاسد اسلامی تبدیل شویم. آنها هم که میگویند از این طریق رژیم را تضعیف میکنند و انقلاب میکنند دروغ میگویند، این رژیم ۳۹ سال است نشان داده است که از راه همراه کردن جناحهای رژیم و امید بستن به آنها نه تنها هیچ انقلاب و تحرک آزادیخواهانه ای به نفع جامعه بدست نیامده است که فقط به نفع کلیت این نظام جانی تمام گردیده است.

آنها همه امتحان پس داده هستند. همه شان دزد و آدم کش و دروغگو بوده و هستند. همه شان ضد کارگر و ضد زن هستند. سران این حکومت فاقد یک جو شرف و وجدان انسانی اند!

توجه رهبران عملی و فعالین پیشرو جنبش سوسیالیستی کل طبقه، از جمله در مراکز مهم صنعتی کشور را، به خطیر بودن اوضاع جنبش مان، به ضرورت به میدان آمدن در این نبرد اقتصادی با پرچم و مطالبه واحد، به ضرورت اقدام فوری و متحد طبقاتی علیه شوراییعالی کار و دولت جمهوری اسلامی و سرمایه داران ظالم و زالو صفت فرا میخوانیم.



اخراج زلزله زده

چهار میلیون تومان حداقل دستمزد



شرکت عمران نینوا یک کارگر را به دلیل یک هفته غیبت از کار اخراج کرد. ۹ نفر از اعضای خانواده این کارگر در زلزله کشته شده اند. شهروند

جمهوری اسلامی، جناحهای درونی...

حزب سوسیالیست انقلابی ایران منفعتی جدا از منفعت طبقه کارگران ایران ندارد. طبقه کارگر باید خودش را صاحب جامعه ایران بداند و تلاش کند صفوف خود را محکم و منافع طبقاتی خود را آگاهتر کند. رهبران سوسیالیست و پیشرو دست به قلم ببرند و نظرات خود را علیه وضع حاکم بیان کنند، در میدان عمل بطور متحد علیه این رژیم ضد کارگری و برای تشکل و افزایش دستمزد خودبه میدان بیایند. گرایشات غیر کارگری را نقد و افشا کنند و هر نوع گرایش ناسیونالیستی و مذهبی را به نقد بکشند و افشا کنند چرا که اینها موانعها و ابزارهای دست خود سرمایه داران و رژیم و احمدی نژادها برای کمک به تداوم بقای حاکمیت سرمایه داران و اسلامی ها می باشند.

ما میدانیم موانع و مشکلات زیادی است، میدانیم اوباشان چون احمدی نژادهای زیادی سر راه داریم، میدانیم اختناق و سرکوب حکومت اسلامی- سرمایه داران بر کل کشور جاری است، اما اینرا هم میدانیم که بر بستر واقعیت موج تنفر اجتماعی که علیه کلیت نظام اسلامی و سرانش در ایران وجود دارد و در صورت رفع کمبودهای کنونی بدون تردید خواهیم توانست تناسب قوا را به نفع خود تغییر دهیم. میتوانیم پوزه رژیم اسلامی را به زمین بمالیم. برای تحقق این امر مهم و بزرگ باید سیاست و حزب و دورنما و راههای بهتری را برگزید، باید با اعتماد بنفس بیشتر دور همدیگر حلقه زد و متحد شد. باید حول اهداف و سیاستهای حزب سوسیالیست انقلابی گردهم آمد، باید کارگران و زنان و جوانان متشکل شوند، باید نیروی مسلح انقلابی خود را درست کرد، باید فقط به خود متکی شد. اتکا کردن به کشمکش جناحهای درونی رژیم، به دخالت غرب و امریکا، و به اپوزسیون و نیروهای مذهبی و ملی گرایان، سم است برای مبارزه کنونی و دست یافتن به یک جامعه آزاد، برابر، مرفه و سوسیالیستی! رفقا! حزب ما در سنگر به سنگر این مبارزه و تلاش پر افتخار در کنار شما و با شما است.

نه قومی نه مذهبی، آزادی برابری

آیا "نظاره گران" صحنه های شلاق و اعدام احساس حقارت نمی کنند؟

سلام زیجی

چند روز پیش، روز ۱۴ آذر، ۱۳۹۶ دوباره در گوشه ای دیگری از ایران، شاهد اعمال وحشیانه اجرا کردن حکم ۷۴ ضربه شلاق در ملاعام برای "یک متهم" در بجزستان بودیم. در پی این جنایت، متأسفانه دوباره شاهد تعدادی "مردم" بودیم که به جای اعتراض به این نوع فجایع به عنوان "نظاره گران" بی تفاوت در بازار گرمی نمایش دولت وحشیها شراکت نمودند. بدینترتیب این اقدام ضد انسانی با حضور تعدادی "مردم سلحشور" عادت گرفته به جنایت و لجن جمهوری اسلامی صورت پذیرفت و دو باره کثیف ترین شکل مجازات انسان را در قالب "مجازات" و "عدالت" در ملاعام توانستند به اجرا در بیاورند.

واقعیت درد ناشی از حضور غیراعتراض آمیز، و حتی بعضاً همراهی کردن با مجریان وحشی در این نوع مراسمهای شنیع و ضد انسانی از سوی برخی "مردم نظاره گر"، به مراتب سنگینتر و درد آورتر است از خود عمل شلاق و تازیانه ای که در اوج بیشرمی و وقاحت تمام نه فقط بر پشت "متهمین"، که بدینوسیله بر پشت کل جامعه فرود می می آوردند.

این سوال واقعی اکثریت عظیم جامعه و نسلهای آزادیخواه مرعوب نشده دست جمهوری اسلامی است که آیا تماشاچیان صحنه های اعدام و شلاق، اگر اعتراض نمیکنند، چرا در چنین مکانهای حضور پیدا خواهند کرد؟ آیا از این عمل خود واقعا احساس حقارت و سرمشاری نمیکنند؟ شما ای مردم مرعوب شده دست ارتجاع اسلامی! چطور میتوانید به این راحتی نظارگر سوت و کور چنین پدیدههای زشتی علیه همنوعان خود باشید، که توسط یک دولت جانی و یک مشت آدم وحشی و بیمار شلاق زن و تیر خلاص زن و حلق آویز کردنها صورت میگیرد؟ آیا میتوانید بعداز شرکت در چنین نمایشی در کمال آرامش برگردید منزل و محل کارتان و از نقش و "وظیفه" غیر انسانی خود انزجار و تنفر نداشته باشید؟ برای فرزندان خود چگونه این صحنه ها و رفتار خود را بازگو میکنید؟

اگر انسانیت را از انسان بگیریم هیچ چیزی برایش باقی نمی ماند! شرافت و حرمت انسانی به همه حکم میکند که نه تنها نباید نظاره گر چنین صحنه های بود که برعکس با عدم تحمل آن کل بساط را بر سر کتافهای اسلامی، پاسدار، بسیجی، نیروی انتظامی، آخوند و دولت و برگزار کنندگان چنین صحنه های ویران نمود. آنهای که مردم را به این شکل "مجازات میکنند" خود مجرمترین و جنایتکارترین پروندهها را دارند! اینها را باید از سر راه برداشت، و بر خواهیم داشت! بیدار شو ای انسانهای له شده دست رژیم وحشی اسلامی! با اقدام خود بیش از این به جنایتکاران تاریخ و به عاملین بی حرمت کردن خودتان خدمت نکنید!

نشریه شنبه ها

منتشر میشود

روزهای شنبه هر هفته نشریه "سوسیالیسم امروز" منتشر میشود. آخرین زمان برای ارسال مطالب برای نشریه روزهای پنجشنبه هر هفته است.

موازین انتشار

مقالات در نشریه

سوسیالیسم امروز:

- سردبیر در انتشار، رد و ویرایش مقالات آزاد است!
- مقالاتی در این نشریه منتشر میشوند که تنها برای این نشریه فرستاده شده باشد.
- مسنولیت مقالات با نویسندگان آن است.
- حداکثر حجم مطلب منتشره در نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت ۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفاً به این آدرس ایمیل بفرستید:

S_zijji@yahoo.se

به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب کمک های مالی خود را برای ما بفرستید.

SWEDEN
SEB BANK
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما انسانهای مبارز و دلسوز مستقیماً به پیشرفت ما در جهت گسترش مبارزه خود برای آزادی و برابری و تداوم مبارزه همه جانبه تر خود به منظور سرنگونی جمهوری جنایتکار اسلام کمک فوری خواهد کرد.



اخراج و بیکارسازی موقوف!